

بررسی نقش و جایگاه تنبیه و تنبیه بدنی در آموزش و پرورش

علی افشاری

کارشناس مدیریت آموزشی - اصفهان - سمیرم

مقدمه

یکی از مسائل مهم و همیشه مطرح در آموزش و پرورش ما، تنبیه و تنبیه بدنی است. تنبیه و تشویق، دو بازوی تعیین کننده حرفه معلمی اند که اگرچه هیچ کدام فی نفسه خوب یا بد نیستند، اما مناقشه و حساسیت بر سر تنبیه بدنی است. به هر حال این مسئله نیز مثل سایر مسائل آموزشی و پرورشی قابل تأمل و بررسی است. پرواضح است که تنبیه بدنی، در صورت استفاده افراطی و حساب نشده، آخرین و بی اثرترین نوع آگاهی دادن است که قطعاً آثار

زیان بخش جسمی و روانی زیادی بر آن مترتب است. با این همه باز هم این سؤال مطرح است که آیا تنبیه و تنبیه بدنی، همواره بدترین نوع آگاهی دادن نیز به شمار می آید؟ در نوشتار حاضر، ضمن ارائه دیدگاه های مخالفان و موافقان، کوشیده ایم جوابی قانع کننده برای این سؤال بیابیم.

مفهوم

تنبیه در لغت، یک مصدر متعدی از واژگان زبان عربی است و به معنی بیدار کردن و هوشیار ساختن می باشد. (معین) از جمله معادل های آن در زبان فارسی، واژه هایی نظیر آگاه کردن، ادب کردن، گوشمال دادن و سرکوب کردن است. (رازی) معادل این واژه در زبان انگلیسی PUNISHMENT و معادل تنبیه بدنی CORPORAL PUNISHMENT می باشد. (شعاری نژاد) از منظر تربیتی، تنبیه عبارت است از ارائه یک محرک آزار دهنده یا تنبیه کننده (تقویت کننده منفی) به دنبال یک رفتار نامطلوب،



برای کاهش دادن احتمال آن رفتار. برای مثال اگر بعد از انجام رفتاری نامطلوب توسط کودک، مثل گفتن یک حرف زشت، با ارائه یک محرک آزار دهنده مثل سیلی زدن به او، بخواهیم احتمال بروز رفتار نامطلوب را در وی کاهش دهیم، در واقع او را تنبیه کرده‌ایم. (سیف، ص ۲۴۶)

انواع تنبیه

تنبیه، به‌طور کلی، به معنی کتک زدن و گوشمال دادن به کار می‌رود، در حالی که این تنها یکی از انواع تنبیه است و از جمله صورت‌های دیگر آن، می‌توان به نگاه خشم آلود، بی‌اعتنایی، توبیخ کردن، امتیاز منفی دادن، محروم ساختن از بازی و امثال آن اشاره کرد. بنابراین، از یک نظر، تنبیه یا مادی است یا اخلاقی. تنبیه، وقتی اخلاقی است که به تمایل کودک به مفتخر و محبوب بودن، که ممد حسن رفتار است، لطمه وارد شود. برای مثال، وقتی که کودک را شرم‌منده می‌کنند یا آشکارا با او به سردی برخورد می‌شود، این تنبیه از آن جا که به حسن رفتار کمک می‌کند، بهترین نوع تنبیه است. تنبیه مادی نیز معمولاً دو صورت دارد؛ یا خواست‌های کودک نادیده گرفته می‌شود یا در معرض آزار و اذیت قرار می‌گیرد. (کانت، ترجمه شکوهی، ص ۱۳۱)

به این ترتیب، تنبیه در واقع می‌تواند به دو صورت بدنی و روانی اعمال شود. در نوع روانی یا اخلاقی آن ممکن است نگاهی عمیق، کلمه‌ای پرمعنی، تذکر یا سلب آزادی کودک، محروم کردن او از دوست داشتنی‌هایش، کم‌مهری و قهر با او، سرزنش زبانی (تحقیر همراه با کم‌توجهی)، مقایسه او با دیگران یا زندانی کردن او ممکن است به عنوان شیوه‌های تنبیهی اعمال شود. اما در نوع بدنی، تنبیه با کتک زدن انجام می‌شود؛ که البته این نوع تنبیه را باید تنها در آخرین مراحل برخورد با رفتار فرزند یا دانش‌آموز به کار برد. به عبارت دیگر وقتی که شیوه‌های دیگر تنبیه، نظیر: تذکر، نگاه پرمعنی، اخطار، تحکم، محروم‌سازی، سرزنش، توبیخ، قهر کردن، تهدید، مجبور سازی به اعتراف و نظایر آن نتیجه نداد، امکان استفاده از تنبیه بدنی و البته با رعایت شرایط آن، که در ادامه گفته می‌شود، وجود دارد.

متداول‌ترین نوع تنبیه در بخش تنبیهات روانی، از طریق سخن گفتن و پند و اندرز دادن صورت می‌گیرد. بسیاری از معلمان به ظاهر اهل خشونت‌ورزی نیستند و چوب و شلاق

نیز با خود بر سر کلاس نمی‌برند و معمولاً هم ادعا می‌کنند که هرگز برای اداره کلاس و تدریس خود به تنبیه بدنی متوسل نشده‌اند. اما واقعیت این است که به شیوه دعوی آن‌ها هم باید با شک و تردید نظر کرد، چرا که «ضربه شلاق بر گوشت اثر می‌گذارد، ولی ضربه زبان، استخوان‌ها را در هم می‌شکند.» (شبرد، ترجمه آرام، ص ۱۲۹) این معلمان به تدریج به پند و اندرز دادن محض عادت می‌کنند، اما از آن جا که یک دانش‌آموز در نهایت متوجه یک سلسله تعارض‌ها در رفتار و گفتار این قبیل معلمان می‌شود، قطعاً استفاده از این روش چندان مثمرتر نخواهد بود. از سوی دیگر، ادامه این عادت (صحبت محض) به آسانی ممکن است انحطاط پیدا کند و به سرزنش کردن دائمی دانش‌آموزان و بیرون آمدن کلمات نیشدار، گزنده و حتی سخیف از دهان معلم بینجامد. این در حالی است که هر بچه معمولاً دوست دارد که ترک‌های بخورد و بنشیند، تا این که به مدت نیم ساعت درباره کاری که کرده است، مطالبی بشنود. (همان، ص ۱۲۹)

از جمله تنبیهات دیگری که جنبه روان - تنی دارند، می‌توان به تعیین تکالیف اضافی، جریمه‌نویسی، تعویض نماینده و سرگروه، نگه داشتن دانش‌آموز در مدرسه بعد از زنگ کلاس، نامه‌نویسی به خانواده، فرستادن به دفتر مدرسه و امثال آن اشاره کرد.

مدارس باید و می‌توانند جای

سخن گفتن آرام و با هم

خندیدن‌های فراوان. هم‌چنین

تلاش جمعی برای پیشبرد

اهداف باشند. این نتیجه

همگامی به خوبی حاصل می‌شود

که مدیر، معلمان و شاگردان

دقیقاً بدانند چه می‌خواهند و

برای رسیدن به آن‌ها تلاش کنند.

تنبیه در آموزش و پرورش

اگرچه اعمال تنبیهات بدنی و روانی در خانواده‌ها و توسط والدین از فراوانی بالایی برخوردار است، اما اغلب آن را در ارتباط با آموزش و پرورش رسمی (مدرسه‌ای) می‌دانند. سر استفاده وسیع و مداوم از تنبیه، به‌ویژه نوع بدنی آن در مدارس، شاید به خاطر میزان بهره‌ای بوده است که از آن می‌توان در امر آموزش و تدریس به دست آورد. به عبارت دیگر، احتمالاً برخی از معلمان می‌توانند با توسل به تنبیه، ضریب موفقیت خود را افزایش دهند. از طرف دیگر، بعضی دانش‌آموزان خاطلی که در خانه سخت‌ترین تنبیهات بدنی و روانی والدین را تحمل و خونسردی خود را حفظ می‌کنند، اما هم آن‌ها در داخل کلاس و در حضور بچه‌ها، به سختی تنبیهات ولو مختصر معلمان را تحمل می‌کنند. علت این امر، اضافه بر تأثیرات ناشی از حضور در میان همسالان، شاید این باشد که آن‌ها نسبت به نیت معلم، شک و تردید دارند. مدرسه، اگرچه دومین محلی است که دانش‌آموز در آن زندگی اجتماعی را تجربه می‌نماید، اما اولین محلی است که وی با همسالان و هموعان خویش به طور نظام‌مند نشست و برخاست می‌کند. به همین خاطر است که اکنون می‌توان امید زیادی به کارکرد مدرسه‌ها داشت؛ ضمن این‌که در مقابل باید به احتمال مضرات و خطرهای آن در رشد شخصیت دانش‌آموزان نیز توجه کرد. به سبب وجود همین تصادم‌ها و تقابل‌های روحی و روانی موجود در مدارس است که گفته می‌شود محل واقعی تجربه قانون شکنی و نیز مجازات آن، مدرسه است؛ بر خلاف زندگی پس از مدرسه که تبعات قانون شکنی و کیفر آن‌ها، غالباً هم سخت است و هم تا مدت‌ها دوام دارد. (همان، ص ۱۲۲)

قدر مسلم آن است که مدارس باید و می‌توانند جای سخن گفتن آرام و با هم خندیدن‌های فراوان، هم‌چنین تلاش جمعی برای پیشبرد اهداف باشند. این نتیجه هنگامی به خوبی حاصل می‌شود که مدیر، معلمان و شاگردان دقیقاً بدانند چه می‌خواهند و برای رسیدن به آن‌ها تلاش کنند. در آموزش و پرورش، فرایندهای تشویق و تنبیه، هر کدام نقشی تعیین‌کننده دارند. (هر چند هیچ یک فی‌نفسه خوب یا بد نیستند، اما معمولاً تنبیه و تنبیه بدنی مذموم و نکوهیده است و آن اندازه توجه و تأمل که درباره محدودیت‌های تنبیه و به حداقل رسانیدن استفاده از آن می‌شود، در جهت نحوه و

اندازه استفاده از تشویق و پیامدهای آن انجام نمی‌گیرد).

به رغم آن‌که مسئولان و زمامداران آموزشی همواره در مذمت تنبیه بدنی بخشنامه‌های فراوان صادر کرده‌اند و می‌کنند، اما این نکته را نباید فراموش کرد که اصولاً در آموزش و پرورش هیچ وسیله عملی و قابل انطباق مجازات را نمی‌توان پیش نهاد کرد که مقبولیت عام پیدا کند، چراکه راهکارهای عملی ارائه شده موجب آن می‌شود که نظریه‌پردازان دیگری در مقابله با شیوه‌های اجرایی حاضر، اسباب دردسر را فراهم آورند. از جمله دشواری‌هایی که موجب عدم طرح شیوه‌ای مشترک در آموزش و پرورش می‌شود، می‌توان به مسائلی چون: تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان، روزانه و شبانه بودن مدرسه‌ها، موقعیت جغرافیایی مدارس، جنس، سن و سواد معلمان و بومی و غیر بومی بودن آن‌ها و نظایر آن اشاره کرد. در بخشنامه‌های مربوط، اغلب، خطرها و لطمات تنبیه بدنی گوشزد می‌شود، ولی از خطرها و لطمات تنبیهات روانی، عمداً یا سهواً چیزی گفته نمی‌شود. استناد به افراط‌های گذشته و اکنون بعضی معلمان در استفاده از تنبیه بدنی، دور بودن مدارس از مراکز شهری و استانی و کم‌تجربه بودن بعضی معلمان در امر کلاس‌داری، از جمله عوامل مؤثر در تدوین چنین توصیه‌هایی است. به هر حال مشاهده مهر و رضایت جمعی و قهر و لجباجت جمعی دیگر در مقابل صدور بخشنامه‌ای درباره این موضوع، خودگواهی بر اهمیت موضوع و از سوی دیگر بد بودن طرز بیان موضوع است، موضوعی که نظر به اهمیت و حساسیت ویژه آن، بهتر است به جای آن که فرمان داده شود، بیش‌تر آموزش داده شود.

مخالفان تنبیه

در بررسی متون مربوط به تنبیهات روانی و بدنی، یک نکته مشترک و برجسته وجود دارد و آن این است که بیش‌تر صاحب‌نظران تربیتی، تنبیه را مردود و مذموم اعلام کرده‌اند؛ البته با این توضیح که منظور قریب به اتفاق آن‌ها از تنبیه، تنبیه بدنی و آن هم به شکل شدید و زیاده از حد آن است. وجه اشتراک دیدگاه‌های مخالفان تنبیه بدنی را در سه بخش می‌توان بررسی کرد:

۱- از آن‌جا که اصولاً درد موجب شر است، تمایل ذاتی انسان و جامعه انسانی به سوی خیر و خوشی است. تأمین خیر و خوشی‌ها نیز وقتی ممکن است که نشانی از درد کشیدن از دست و زبان هم‌دیگر وجود نداشته باشد و گرنه

دیگری را جانشین آن کند. بعضی از این رفتارها مخرب، ناسازگارانه و روان رنجورانه، نظیر: خیال‌پردازی و رؤیاهای روزانه‌اند. (سیف، ص ۴۷۷) از سوی دیگر تنبیه کردن عملی مسری است. (همان، ص ۴۷۶) محققان نشان داده‌اند کسانی که شاهد تنبیه شدن افراد توسط دیگران بوده‌اند، در مواقع و مکان‌های دیگری، خود به تنبیه کسان دیگر اقدام کرده‌اند یا دانش‌آموزانی که شاهد تنبیه شدن دانش‌آموزان دیگر بوده‌اند، بعداً خود رفتار تنبیه شده را تقلید کرده‌اند. بنابراین معلمی که در جمع، دانش‌آموزی را تنبیه می‌کند، در واقع به آن‌ها آموزش پرخاشگری می‌دهد. بارها دیده شده است کودکانی که مرتباً از پدر و مادر خود کتک می‌خورند، در غیاب آن‌ها به کتک زدن خواهر یا برادر کوچک‌تر خود می‌پردازند. اضافه بر این، اسکینر طی آزمایش‌هایی بر روی موش‌ها، به نتیجه جالبی رسید و آن این بود که پس از آن که وابستگی‌های تنبیهی از میان رفتند،

قدرت مسلم این است که انصار پر
استفاده بی‌رویه و حساب‌نکننده
از تنبیه، خاصه تحت لوای یک
تدبیر مت‌منصف و نابخردانه
نتایج زیان‌بخشی و حتی
فاجعه‌آلودی در پی خواهد
داشت؛ هرچنان که در گذشته
نیز این مسئله اتفاق افتاده است.

انبوهی از شرارت‌ها، جنایت‌ها و تلخی‌های اجتماعی بروز خواهد کرد که ریشه آن‌ها را باید در نحوه آموزش و پرورش انسان‌ها در دوره کودکی و نوجوانی جست‌وجو کرد.

۲- میل وارد کردن رنج‌های جسمانی به دیگران، معمولاً با غریزه جنسی همراه است. این ادعا را اولین بار یک روان‌شناس سوئیسی به نام زیگموند فروید عنوان کرد. به اعتقاد او و بسیاری از روانکاوان، یکی از انحرافات جنسی، شلاق خوردن یا شلاق زدن دیگران است، به این خاطر که تحریک و انگیزش جنسی از آن حاصل می‌شود. دیگران را آزار دادن یا شاهد آزار دیگران بودن، ممکن است به انحرافات بعدی بینجامد. بنابراین آموزگاری که تصور می‌کند با توسل به تنبیه بدنی، کاری به سود کودکان انجام داده است، در واقع انگیزه‌های پنهان و خفته خویش را لباس حقانیت پوشانده است. (همان، ص ۱۳۸)

۳- عوارض و پیامدهای ناگوار تنبیه بدنی نیز قابل توجه است. به اعتقاد یکی از مریبان تربیتی، تنبیه، موقعیت اجتماعی فرد را متزلزل می‌کند. روی همین حساب، شاگرد برای حفظ موقعیت اجتماعی خویش از اقدام به کاری که سبب اجرای تنبیه دوباره وی می‌شود، خودداری می‌کند. بنابراین اثر تنبیه کم است و ارزش تربیتی ندارد. (شریعتمداری، ص ۳۲۰) در ضمن، فرد تنبیه شده ممکن است برای دوری از تنبیهی دیگر، به رفتاری که تنبیه به دنبال آورد نپردازد، اما رفتارهای



رفتار تنبیه شده مجدداً ظاهر می‌شود. با توجه به این نکته، هر چند تنبیه بدنی درکاهش دادن رفتار نامطلوب به طور موقت مؤثر است، اما باید توجه داشت که تنبیه باعث نابودی رفتار تنبیه شده نمی‌شود، بلکه تنها اثر آن این است که رفتار نامطلوب را موقتاً پس می‌زند. (همان، ص ۴۷۷) به گفته یکی از دانشمندان، ترکه اثری تولید می‌کند که به خود آن ختم می‌شود و کودک فقط از ترس کتک به وظیفه خود عمل می‌کند. (همان، ص ۱۴۱) برتراند راسل، که در تنبیه بدنی سود و ارزشی نمی‌بیند، عقیده دارد که پس از هر تنبیه، در ذهن بچه‌ها این طور تداعی می‌شود که تحمیل کردن تنبیه و زجر بدنی به منظور حفظ تسلط بر دیگران پسندیده است و این درسی است که زیان و خطر خاصی در بر دارد و خصوصاً آن‌که به کسانی آموخته می‌شود که منتظرند مقامات و قدرتی در آینده به دست آورند. (راسل، ترجمه شوقی، ص ۱۱۵)

تنبیه بدنی، احساس گناه را نیز به راحتی از میان می‌برد. کودک برای بد رفتاری خود تاوان داده است و اکنون برای تکرار آن، منعی در پیش نمی‌بیند. (گینات، ترجمه حبیبی، ص ۸۳) او دیگر برای رفتار نادرستش احساس شرم نمی‌کند، زیرا پیش خود احساس می‌کند که اگر کار بدی انجام داده است، در مقابل تنبیه شده است و از این رو جسورتر می‌گردد. اضافه بر این، در صورت تکرار فراوان تنبیه، در طفل احساس لذت بردن از تنبیه به وجود می‌آید که بسیار خطرناک است. (معتمدی، ص ۶۴) بی‌اعتمادی به مربیان، پدید آمدن ترس و اضطراب، تسلیم و بردگی، ارتکاب جرم و تبهکاری و بدآموزی‌ها به کودک، از دیگر زبان‌های تنبیه بدنی می‌باشد.



شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سال چهارم علوم انسانی

در یک جمع‌بندی کلی، توجیحات مخالفان تنبیه بدنی را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- ۱- قطع روابط عاطفی بین کودک و مربیان.
- ۲- دادن درس خشونت به کودک که او نیز بعداً چنین به قساوت رفتار کند.
- ۳- فراهم آوردن زمینه برای انجام جرم و جنایت (بر طبق شواهد موجود).
- ۴- بی‌تأثیر شدن اثر تنبیه در تربیت.
- ۵- ایجاد کینه و دشمنی نسبت به مربی.
- ۶- پدیدآیی حالات خودآزاری و دیگر آزاری.
- ۷- بروز لکنت زبان در کودک، خاصه وقتی که تنبیه سخت و در حضور جمع باشد.
- ۸- بروز ترس و اضطراب در وجود کودک. (قائمی، ص ۳۴۳)

موافقان تنبیه

اگرچه اعلام مخالفت با تنبیه بدنی کاملاً طبیعی و بدیهی به نظر می‌رسد، اما از سوی دیگر ابراز موافقت با آن، در نگاه اول، کمی عجیب و غیرمنتظره می‌نماید. هر چند امروزه از میزان فراوانی موافقت با تنبیه بدنی به شکل کاملاً محسوس کاسته شده است، اما با این حال نباید اظهار نظر موافقان آن را از نظر دور داشت، ضمن این که در گذشته و لااقل تا اوایل

تکوین آموزش و پرورش رسمی، تنبیه بدنی در مدارس، بدون آن که مذموم و مردود باشد، کم و بیش معمول بود. به طوری که مثلاً ابن‌اخوه از فقهای قرن هشتم در کتاب آیین شهرداری خطاب به اولیا و مربیان گفته است: «بچه‌ها را از هفت سال به بالا در صورت بی‌ادبی و سخن زشت و کارهای خلاف شرع از قبیل قاب بازی، تخم مرغ بازی، نرد باختن و همه انواع قمار مورد تنبیه و بازخواست قرار دهید و بچه‌ها را با چوب یا شلاق بزنید و بیش‌تر کفل و ران و پایین پای آن‌ها را بزنید.» (راوندی، ص ۸۱)

حتی در کشورهای اروپایی، مثل انگلستان و دیگر کشورها، در مدرسی که مجازات تنبیه بدنی چندسال قبل از رواج افتاده بود، باردیگر رواج پیدا کرده و پژوهش‌هایی که توسط گروه‌های پزشکان و دیگران انجام گرفته به این توصیه منجر شده است که باید تنبیه بدنی در مدارس بیش‌تر شود و به آموزگاران برای استفاده از این وسیله اجازه‌ی بیش‌تری بدهند. (شبرد، ترجمه آرام، ص ۱۱۳۶)

یکی از دلایل موافقت عده‌ای با انجام تنبیه بدنی - البته نه به طور شدید - این است که به گمان آن‌ها تشویق (ترغیب) قاعد است و تنبیه (تهدید) سائق. قاعد یعنی کسی که مهار اسب یا شتر را در دست می‌گیرد و حیوان را به دنبال خود می‌کشد و سائق آن است که از پشت اسب یا شتر آن را می‌راند. بنابراین این هر دو برای حرکت فرزند آدمی لازم است. (همان، ص ۶۴) از سوی دیگر پژوهش‌ها نشان داده است که آن چه مایه رنجیدگی خاطر دانش‌آموزان مدرسه می‌شود، بی‌عدالتی است و لذا هر تنبیه یا خرده‌گیری که از حدود انصاف و عدالت خارج شود، به این رنجیدگی می‌انجامد و گرنه اندیشه احساس حقارت و رنجش از آموزگاران، حتی در صورت رسمیت یافتن تنبیه بدنی، به عنوان یکی از مجازات‌های آموزشگاهی، چندان ریشه‌دار نیست. به همین خاطر است که بسیاری از معلمان مهربان و خوش اخلاق عقیده دارند که اگرچه توسل فراوان به تنبیه بدنی کار بدی است، اما همین تنبیه بدنی به طور اتفاقی، برای یک معلم خوب وسیله سودمند و رضایت‌بخشی است. بنابراین نمی‌توان گفت، معلمی که گاهی با ترکه‌ای شاگردی را تنبیه می‌کند، حتماً بیش از معلمی که هرگز چنین نمی‌کند، مورد نفرت دانش‌آموزان باشد. (همان، ص ۱۴۰)

در تاریخ ادب فارسی نیز ردپاهایی از موافقت با مسئله تنبیه بدنی به خوبی مشهود است و از آن جا که شعر، معمولاً متأثر از فضای فکری زمانه و جامعه است، آن را می‌توان آینه

از جمله شرایطی که باید آن‌ها را قبل از انجام تنبیه در نظر گرفت. شناخت علت، آگاهی دادن و توجیحات لازم. هشدار دادن نسبت به عقوبت و عواقب امر و نیز توافق اولیا و مربیان یا مدیر و معلم با همدیگر است.

اوضاع زمانه خود به حساب آورد و فهمید که این مسئله در فلان عصر تا چه اندازه عادی، رسمی و حتی ضروری در مکتب خانه‌ها و محافل آموزشی بوده است. سعدی در قرن هفتم می‌گوید: (بوستان)

ندانی که سعدی مراد از چه یافت

نه هامون نوشت و نه دریا شکافت

به خردی بخورد از بزرگان قفا

خدا دادش اندر بزرگی صفا

هر آن طفل کو جور آموزگار

نبیند، جفا بیند از روزگار

مولانا نیز در همان ایام می‌گوید: (مثنوی معنوی)

چون معلم زد صبی را، شد تلف

بر معلم نیست چیزی لا تخف

ور پدر زد او برای خود زده ست

لاجرم از خوبیها دادن نرسد

کان معلم نایب افتاد و امین

هر امینی هست حکمش این چنین

به هر حال از یک نظر، تنبیه و حتی تنبیه بدنی در مقابل فرایند تشویق، به شرط برخورداری فضای مدرسه و کلاس از یک مدیریت خوب و سنجیده، می‌تواند به نتایج مثبت و سودمندی منتهی شود. ضمن این که مذمت‌ها و نکوهش‌هایی که از مسئله تنبیه و به شکل شدید آن شده است و می‌شود، بیش‌تر متوجه تنبیه بدنی است؛ در حالی که تنبیه روانی چندان که بخواهی نکوهش نشده است. در یک جمع‌بندی کلی، تنبیه می‌تواند یکی از شیوه‌های اصلاح یا تغییر رفتار به حساب



آید و نمی‌توان نسبت به استفاده از آن در امر تعلیم و تربیت بی‌اعتنا ماند. قدر مسلم این است که اصرار بر استفاده و به‌کارگیری بی‌رویه و حساب نشده، خاصه تحت لوای یک مدیریت ضعیف و نابخردانه، نتایج زیان‌بخش و حتی فاجعه‌آمیزی در پی خواهد داشت؛ هم‌چنان که در گذشته نیز این مسئله اتفاق افتاده است. با توجه به آن چه گفته شد، به نظر می‌آید که اجرای تنبیه، حتی از اجرای برنامه‌های تشویقی دشوارتر است. (معیری، ص ۱۹۵)

چگونگی انجام تنبیه

عموم موافقان امر تنبیه و تنبیه بدنی و حتی عده‌ای از مخالفان آن، به ملاحظه و رعایت شرایط و ضوابطی در لحظه اجرای تنبیه اعتقاد دارند که مجموع آن‌ها را در سه دسته می‌توان تقسیم بندی کرد:

- ۱- شرایط قبل از تنبیه: از جمله شرایطی که باید آن‌ها را قبل از انجام تنبیه در نظر گرفت، شناخت علت، آگاهی دادن و توجیهات لازم، هشدار دادن نسبت به عقوبت و عواقب امر و نیز توافق اولیا و مربیان یا مدیر و معلم با همدیگر است. به اعتقاد یکی از صاحب‌نظران تربیتی، قبل از تنبیه بهتر است به موارد زیر توجه کرد، چراکه ممکن است دیگر نیازی به آن نباشد:
(الف) بدون حمله به شخصیت کودک، تنفر و تقبیح خود را از کاری که کرده است نشان دهید.
(ب) قبل از تنبیه، انتظارات خود را جزء به جزء برای کودک شرح دهید.

- (ج) راه جبران خطا را به کودک نشان دهید.
 - (د) فرصت لازم را برای جبران کردن به کودک بدهید.
 - (ه) واقعاً خود را خیرخواه کودک نشان دهید.
- یکی از مسائل مهمی که قبل از تنبیه و مخصوصاً تنبیه بدنی باید به آن توجه کرد، مسئله میزان عصبانیت تنبیه‌کننده است. تک تک آدم‌ها دایره‌المعارفی از کلمات خشم‌آلودند که اگرچه معمولاً وانمود می‌کنند که سعی دارند بر خشم خویش فائق آیند، اما با کم‌ترین بهانه‌ای و به آسانی از آن کلمات استفاده می‌کنند. البته نباید فراموش کرد که عصبانیت به خودی خود بد نیست. عصبانیت ما، نشانه عشق و توجه است. به همین خاطر است که حتی عشاق نیز ممکن است عصبانی بشوند! بنابراین گاهی عصبانی نشدن قبل از آن که نشانه عشق و محبت باشد، بیش‌تر علامت بی‌تفاوتی است. قدر مسلم این است که استفاده از سلاح عصبانیت، باید به موقع و حساب

در زمان تنبیه، باید احساسات خرد را کنترل کرد. به طوری که کودک احساس نکند برای انتقام گرفتن از او چنین می‌کنید یا از تنبیه او خوشحال هستید. به عبارت دیگر، در زمان تنبیه باید دائماً همان دهیید که کودک را دوست دارید.

شده انجام گیرد. چراکه در غیر این صورت، خشمگین شدن خلاف اخلاق تلقی خواهد شد. به همین خاطر است که از همان زمان طفولیت بچه‌ها، به واسطه رفتار خشمگینانه خویش به آن‌ها القا می‌کنیم که خشم، احساسی نادرست و مستوجب عقوبت است. در نتیجه کودک عصبانی شدن را معادل بد بودن می‌پندارد و با همین پندار بزرگ می‌شود. (گینوت، ترجمه قراچه‌داغی، ص ۸۴)

پر واضح است که بچه‌ها نیاز دارند گاهی اوقات ناراضی‌تی را حس کنند و نتیجه کار خود را ارزیابی نمایند. اما اگر واکنش ما تا به آن حد باشد که کودک خود را به خاطر خطایش حقیر و بی‌ارزش بشماریم، ما از قداست و شأن خود به عنوان پدر، مادر یا معلم سوء استفاده کرده‌ایم و امکان آن را فراهم آورده‌ایم که به وسیله ایجاد یک احساس گناهکاری اغراق‌آمیز و به همراه نفرت از خود در درون کودک، تأثیر مهمی در تکامل شخصیت او داشته باشیم. (همان، ص ۱۴۹)

بعضی از معلمان، همواره به مثابه آتش زیرخاکسترند و به‌اندک حرکتی و ضربه‌ای از سوی دانش‌آموزان که نظم ذهن و کلاس آن‌ها را بر هم بزند، حمله‌ور می‌شوند و البته به دنبال آن معمولاً مقداری احساس ندامت و حسرت از بابت رفتار واکنشی، وجودشان را فرا می‌گیرد. لذا لازم است که خویش‌داری، تأمل و عاقبت بینی امر در این باره فراموش نشود. البته شکیبایی بیش از حد در برخورد با رفتارهای نامطلوب کودکان و نوجوانان نیز کار

درستی نیست. چرا که وقتی از درون رنجیده خاطر باشیم اما به روی خودمان نیاوریم، معمولاً به جای محبت ورزی، کار ما به نوعی دورویی خواهد بود و به جای آن باید سعی کنیم بدون تحقیر و توهین کردن به بچه‌ها، ناخشنودی خود را نشان دهیم.

۲- شرایط زمان تنبیه: و اما در هنگام تنبیه، مراقبت و مواظبت، مهم‌ترین وظیفه معلم یا والدین است که پس از تصمیم به اجرای تنبیه و مخصوصاً تنبیه بدنی، باید به آن توجه نمایند. طی تنبیه (به هر صورت که قرار است انجام شود) باید تنها کار بد کودک نکوهش شود و نه شخصیت او. همان طوری که گاندی، رهبر فقید هند توصیه می‌کرد: «از گناه تنفر داشته باش، نه از گناهکار.» بنابراین بهتر است در زمان انجام تنبیه به نکات زیر توجه کرد:

(الف) در حین تنبیه، باید از مقایسه میان شاگردان جداً خودداری شود.

(ب) در حین تنبیه، باید مورد یا موارد تخلف کودک

برایش به خوبی مسلم و معلوم شود، به اصطلاح حقوقی باید به او تفهیم اتهام کرد.

(ج) در زمان تنبیه، باید احساسات خود را کنترل کرد؛

به طوری که کودک احساس نکند برای انتقام گرفتن از او چنین می‌کنید یا از تنبیه او خوشحال هستید. به عبارت دیگر، در زمان تنبیه باید واقعاً نشان دهید که کودک را دوست دارید. (شفیع آبادی، ص ۷۴)

(د) در اجرای تنبیهات ضروری و بدیهی نباید اهمال، مسامحه و گذشت زمان واقع شود.

با این همه در لحظه اقدام به تنبیه، لازم است حتی الامکان

از تنبیه بدنی خودداری و جایگزینی مناسب برای آن پیدا شود. در غیراین صورت در خلال تنبیه بدنی، باید به فکر اقدامات و تمهیداتی بود که از وقوع تنبیهات مشابه در آینده جلوگیری شود. از یک نظر شایسته است در زمان تنبیه، هشت شرط: استحقاق، رعایت سن، رعایت مرحله رشد، تناسب، حالت و روحیه، عدالت و حداقل بودن تنبیه رعایت گردد.



هم چنین باید سنخیت تنبیه را با نوع تخلف‌های کودک در نظر گرفت.

به هر حال تنبیه به هر شکلی که انجام گیرد، نباید تأثیر بیدارسازی و هشداردهی خود را از دست بدهد. با وجود این، متأسفانه تنبیهاتی

ضربه، منوط به اجازه ولی است. (عطاران، ص ۷۳)
 ابن سینا نیز در این خصوص گفته است: «باید زدن بچه در بار نخست کم ولی دردناک باشد، چه اگر کتک نخستین خفیف و دردناک نبود، بچه دیگر از کتک نمی ترسد و به آن اعتنایی نمی کند. (همان، ص ۷۴) این نکته را نیز باید در نظر داشت که تنبیه کودک، معمولاً زمانی صورت می گیرد که دیگر تهدیدها و استدلال‌ها اثری ندارند و به همین خاطر بیش تر اوقات بدون برنامه ریزی اعمال می شوند. یعنی درست در زمانی که صبر و تحمل ما به پایان می رسد، تصور می شود که تنبیه مؤثر است و ظاهراً هم فشار محصور در اولیا و مریبان را از میان برده، کودک را حداقل برای مدت کوتاهی به اطاعت و می دارد. (همان، ص ۷۴)

نیز اعمال می شود که فاقد این تأثیرند و هیچ ارزش تربیتی ندارند. سرّ طردسازی و مذموم انگاری مطلق تنبیه نیز به خاطر وجود همین نوع تنبیهات است که البته از فراوانی بالایی هم برخوردارند. این گونه تنبیهات ممکن است یا به خاطر عقده گشایی و انتقام گیری انجام شود یا به خشونت ورزی برسد. به طوری که در نهایت به طرد و اخراج کودک از کلاس و مدرسه یا انجام تنبیهات سخت دسته جمعی یا به همراه تحمیل تکالیف شاق یا حبس و تمسخر شدید کودک، منجر شوند.
 قابسی، از ادیبان قرن چهارم، در خصوص نحوه و شیوه انجام تنبیه، نکات جالبی پیش نهاد کرده است:
 الف) معلم، تنبیه بدنی را در غیر مواردی که کودک خطا کرده، اعمال ندارد.

بچه‌ها نیاز دارند گاهی اوقات ناراضبیتی را حس کنند و نتیجه کار خود را ارزیابی نمایند. اما اگر واکنشی ما تا به آن حد باشد که کودک خود را به خاطر خشمناکیش مقهور و بی ارزش بشماریم، ما از فداست و شأن خود به عنوان پدر، مادر یا معلم سوء استفاده کرده ایم و امکان آن را فراهم آورده ایم که به وسیله ایجاد یک احساس گناهکاری اغراق آمیز و به همراه نفرت از خود در درون کودک، تأثیر موهبی در تکامل شخصیت او داشته باشیم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تألیف: دکتر سید علی حسینی

یکی از صاحب نظران آموزشی درباره شیوه تنبیه می گوید:
 «تنبیه را بهتر است در خلوت و بدون حضور جمع اجرا کنیم تا از حمله به شخصیت تنبیه شونده مبرا باشد. تنبیه باید حتی المقدور به صورتی اجرا شود که نفرت، انزجار، یأس و بدبینی نسبت به زندگی روزانه نوجوان را پدید نیاورد. از نگاه دیگر، ۱- در زمان تنبیه، معلم باید مطمئن باشد که اثر و نتیجه تنبیه، اجرای آن را توجیه و تجویز نماید. ۲- معلم باید اجازه تنبیه را از والدین شاگرد کسب کند. ۳- بهتر است تنبیه با حضور شاهد مسئول یا افراد معین اجرا شود. (همان، ص ۴۷۱)
 ۳- شرایط بعد از تنبیه: فرایند تنبیه، تنها به انجام و اتمام آن منتهی نمی شود. به عبارت دیگر از آن جا که تنبیه یک

ب) تنبیه بدنی باید توسط معلم و متناسب با میزان خطای کودک صورت پذیرد.
 ج) معلم نباید انجام تنبیه را به دانش آموزان دیگر واگذار نماید.
 د) تنبیه باید به قدر تولید درد باشد، بی آن که به پیامدهای سوء و ضعف و سستی بدن منتهی شود.
 ه) مناسب ترین موضع بدن برای تنبیه، پاها می باشد و از زدن ضربه بر سر و صورت باید احتراز کرد.
 و) وسیله تنبیه، تازیانه یا چوب فلک است و بهتر است نرم باشد.
 ز) میزان مجاز ضربه از یک تا سه ضربه و فراتر از آن تا ۱۰

کیفیتی اثرگذار و پیشرو در جامعه ما بیاید، حتماً با استفاده از ارزش‌ها و گزاره‌های انسانی نابی که در خود سراغ دارد، هم مشکل تنبیه بدنی را در خود حل خواهد کرد و هم به جامعه درس عطف و عدم خشونت را خواهد داد.

فرایند تربیتی است؛ تأمل، ژرف‌نگری، تحلیل و پیگیری مسئله ضرورت دارد. اندیشه بر روی رفتار مورد تنبیه و این‌که چه باید کرد تا از بروز رفتار مشابه جلوگیری شود، حتماً باید در خیال مربی باشد. از سوی دیگر مربی باید ارتباط عاطفی خود را با شاگرد تنبیه شده حفظ کند و بداند که تنبیه اساساً باید در مسیر ترمیم روابط عاطفی باشد، نه برای ایجاد دیوار بدبینی و بی‌اعتمادی. هم‌چنین پس از تنبیه، همواره باید به فکر صرفه‌جویی و کاستن از فراوانی تنبیهات باشد، چرا که ممکن است در اثر استفاده مداوم و مرتب از تنبیه، تأثیر تربیتی آن به کلی از میان برود و لوث گردد. هم‌صحبتی با شاگرد، پس از مدتی، این فایده را خواهد داشت که ضمن مروری بر رفتار نامطلوب وی و درک دلایل تنبیه توسط خود او، به خوش‌بینی و اعتماد کردن او به مربی و کاستن از انجام رفتارهای مشابه کمک کند.

فهرست منابع

- معین، محمد: فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- رازی، فریده: فرهنگ واژه‌های فارسی سره برای...، تهران، نشر مرکز.
- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر: فرهنگ علوم رفتاری، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- سیف، علی‌اکبر: روان‌شناسی پرورشی، تهران، انتشارات آگاه.
- کانت، امانوئل: اندیشه‌هایی در آموزش و پرورش، ترجمه غلامحسین شکوهی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- شبرد، تی‌بی: آموزش و پرورش زنده، ترجمه احمد آرام، کتاب‌های پیک.
- همان، ص ۱۲۹.
- همان، ص ۱۲۲.
- همان، ص ۱۳۸.
- شریعتمداری، علی: روان‌شناسی تربیتی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- راسل، برتراند: در تربیت، ترجمه عباس شوقی، تهران، انتشارات عطایی.
- گینات، هایم: رابطه بین والدین و کودکان، ترجمه سیاوش حبیبی، تهران، انتشارات اطلاعات.
- معتمدی، زهرا: رفتار یا کودک، تهران، نشر لک لک.
- قائمی علی: خانواده و مسائل مدرسه‌ای کودکان، تهران، انتشارات تربیت.
- راوندی، مرتضی: تاریخ اجتماعی ایران، تهران، انتشارات نگاه.
- سعدی، مصلح‌الدین: بوستان سعدی، به تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران، انتشارات خوارزمی.
- مولوی، محمد: مثنوی معنوی؛ به تصحیح عبدالکریم سروش، شرکت علمی و فرهنگی انتشارات امیرکبیر.
- معیری، محمد طاهر: مسائل آموزش و پرورش، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- فایر، آدل: به بچه‌ها گفتن، از بچه‌ها شنیدن، ترجمه فاطمه عباسی، تهران، انتشارات اوحدی.
- گینوت، هایم: روان‌شناسی بلوغ، ترجمه مهدی قراچه داغی، تهران، انتشارات اوحدی.
- شفیق‌آبادی، عبدالله: فنون تربیت کودک، تهران، انتشارات چهر.
- عطاران، محمد: آرای مریبان بزرگ درباره تربیت کودک، تهران، انتشارات مدرسه.

جمع بندی

این همه گفتیم و نگفتیم که داوری قطعی و نهایی درباره موضوع تنبیه و مهم‌تر از آن تنبیه بدنی، اگر کار آسانی نباشد، لااقل کار یک مقاله و خطابه نیست. تمام مفاهیم آموزشی و پرورشی که امروزه ما با آن‌ها به راحتی کنار می‌آیم یا از آن‌ها به آسانی استفاده می‌کنیم، حاصل سال‌ها مطالعه و پژوهش و آزمایش و خطاهایی است که پیش از ما بسیاری از معلمان و دست‌اندرکاران امر انجام داده‌اند. مسئله تنبیه و تنبیه بدنی در نگاه اول، مسئله‌ای است که بیش‌تر تاریخی و مربوط به چندین دهه قبل تاریخ آموزش و پرورش است. اما نباید فراموش کرد مثل سایر مفاهیم انسانی که اگرچه ماهیت و کیفیت آن‌ها در گذر تحولات اجتماعی دگرگونی یافته‌اند، اما وجود و هستی آن‌ها هنوز پابرجا مانده است؛ این مسئله نیز، تنها شکل و فرم انجام خود را از دست داده است و هم‌چنان که در این نوشتار گفته شد، هنوز و البته به صورت‌های غیربدنی موجودیت خود را حفظ کرده است. ما هنوز تا رسیدن به یک جامعه عاری از خشونت و به تبع آن یک آموزش و پرورش مهرورزانه، فاصله زیادی داریم. ما در حافظه تاریخی خود، ذهنیتی آشفته و هراسان از حضور نفوذ دیرپای استبدادهای گوناگون پیدا کرده‌ایم، چندان که همه‌هستی ما و نیز آموزش و پرورش ما منفعل و متأثر از آن شده است. شاید اگر روزی برسد که آموزش و پرورش ما،